



### پاسخ ما استقرار فوری یک جمهوری سوسیالیستی است

مصاحبه آزادی زن با علی جوادی  
عضو شورای مرکزی ساز

پروین کابلی: علی جوادی، در ایران فقر بیداد میکند. قیمت مواد غذایی در چند ماه گذشته چند برابر شده است. این اوضاع چه تاثیری در زندگی روزمره مردم و به ویژه در خانواده ها دارد؟

**علی جوادی:** چندی پیش یکی از مسئولین حکومت اسلامی (معاون اقتصادی برنامه ریزی دولت احمدی نژاد) جمعیت زیر خط فقر را ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر اعلام کرد. اما در نزد خودشان به سرعت برخی اعلام کردند که این آمار مربوط به "خط فقر خشن" است و نه "خط فقر"! خودشان میگویند که جمعیت زیر "خط فقر" بیشتر از ۵۰ درصد است. یعنی بیش از ۳۵ میلیون نفر مردمان در یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه نمیتوانند حتی از زندگی ای برخوردار باشند که با "خط فقر" تعریف شده توسط اوپاش اسلامی حاکم، تامین شود. دنباله در صفحه بعد

### تجربه های زنانه ستونی تازه در نشریه آزادی زن

صفحه ۵

### خشونت خانگی

مقاله ای تحقیقی از پزشکان بدون مرز

صفحات ۳ و ۴

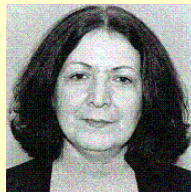
### گزارش کوتاهی از شرکت آنر ماجدی در کنفرانس سکولار - اومانیسیم در هلند

صفحه ۶

### اتحاد عیله فقر اتباع بیگانه نمی شناسد!

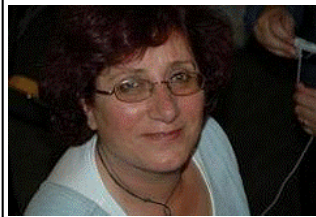
صفحه ۷

شهلا نوری



### پروین اردلان به دو تا سه سال حبس تعلیقی محکوم شد!

صفحه ۸



### تابستان در جمهوری اسلامی!

سخن سردبیر شماره ۴۴

توازن قوا و قدرت سیاسی در ایران را فقط اختلاف درونی و یا بالا رفتن موقعیت اقتصادی تعیین نمیکند. در سالهای اخیر انعکاس جنبش های مختلف را بطور مشخص در موقعیت سیاسی و حرکاتی که رژیم برای سرکوب مردم سازمان میدهد میتوان دید و شاهد بود. جنبش برابری طلب یکی از بارومترهای بسیار واقعی است. تابستان هم فصل خوبی برای نشان دادن این موقعیت است. اگر ناظری خارجی می خواهد ببیند که جنبش برابری طلب و نافرمانی زنان در چه موقعیتی است حتما باید در تابستان به ایران سفر کند. در سالهای اخیر تابستان فصل گرما و پوشش زنان به یک میدان اصلی جدل تبدیل گردیده است. به محض فرارسیدن تابستان دستجات ارادل و اوپاش جمهوری اسلامی در خیابانها راه افتاده و به زنان به بهانه بدحجابی حمله میکنند.

امسال هم از چند هفته پیش این کشمکش بار دیگر با صدور بخشنامه های متنوع و اسلامی آغاز گردیده است. بنا به دستور قرار است که پزشکان از معالجه و پذیرش زنان بدحجاب خودداری نمایند. در کنار این طرح حجاب ملی هم در دستور قرار گرفته است. طرح حجاب ملی که چند سال پیش بنام پوشش ملی به میدان آمد عملا شکست خورد و کسی توجهی به آن ننمود. اکنون بار دیگر این طرح قرار است بطور فعال در دستور مقامات مملکتی قرار گیرد.

سوال این است که جمهوری اسلامی چقدر و تا چه حدی میتواند این طرح را پیش ببرد و چگونه بار دیگر جنبش برابری طلب میتواند در مقابل آن خود را سازمان دهد.

مسئله این است که در سالهای گذشته حملات مامورین و خواهران زینب در خیابانها به صحنه های مقاومت مردم و زد و خورد تبدیل گردیده است. تلاش مامورین انتظامی برای دستگیری زنان بدحجاب در بسیاری مواقع با دخالت مردم به ناکامی انجامیده است و عملا این پروژه سرکوب نتوانسته است پیش برود.

امسال فقر و گرانی در ایران بیداد میکند. قیمت مواد غذایی ساعت به ساعت تغییر میکند. دستگیری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب موجی از همبستگی با این دانشجویان را در داخل و خارج ایران به دنبال آورده است. محمود صالحی و کمپین دفاع از وی به کمپین جهانی علیه جمهوری اسلامی تبدیل گردیده و اسانلو و شیث امانی هنوز در زندان هستند. فعالین حقوق زنان به زندان محکوم شده اند و از سرنوشت تعدادی از آنها خبری نیست. این اوضاعی است که جمهوری اسلامی را در شرایط دیگری قرار داده است. شرایطی که دیگر زمین بازی را از وی میگیرد. برای تغییر توازن قوا به نفع جنبش برابری طلب باید از موقعیت کنونی بیشترین استفاده را نمود. باید امسال هم

دنباله در صفحه بعد

ستم بر زن موقوف!



نقاشی از دلارا دارابی

اسلامی و نظام سرمایه داری است.

اما بحث چه میتوان کرد. افزایش اقلام زندگی مردم را باید در دو سطح پاسخ داد. به طور فوری چه میتوان کرد؟ بطور پایه ای چه میتوان کرد؟ به نظر من باید دولت را وادار کرد که این اقلام را با سوبسید کامل در اختیار مردم قرار دهد. چرا بار بالا رفتن هزینه این اقلام در بازار جهانی را کارگر و مردم زحمتکش باید متحمل شوند؟ چرا طبقه حاکم متحمل نشود؟ چرا دولت متحمل نشود؟ از طرف دیگر راه حل پایه ای ما خلاصی از مکانیسم بازار و " دست نامریی" یعنی بازار آزاد است. راه حل پایه ای ما سوسیالیسم است. سوسیالیسم پاسخ نیازهای مردم، پاسخ معضلات مردم، پاسخ تمامی مصائبی است که بشریت امروز با آن مواجه است. پاسخ ما سازماندهی انقلاب کارگری است. پاسخ ما استقرار فوری یک جمهوری سوسیالیستی است.

**بخش بعدی مصاحبه با علی جوادی در شماره آینده**



است. اما مساله این است که این نظام در حال حاضر با قدرت نظام اسلامی در مقابل تعرض جامعه ای که میخواهد آزاد و برابر و مرفه باشد، پا بر پا نگهداشته شده است. مهم این است که نظام اسلامی حامی و حافظ چنین سیستم ضد انسانی است. دولت چنین طبقه ای است. برای بقا و حفظ آن و نکبت اسلام بیش از صد هزار نفر را کشته است. اعدام کرده است. شلاق زده است. به بالای دار برده است. گرانی اقلام غذایی یک واقعیت جهانی است. اما مسبب فقر و فلاکت گسترده جامعه در ابعاد کنونی گرانی کنونی نیست. ببینید، دستمزد کارگر را که دست نامریی بازار جهانی تعیین نکرده است. جلوی تشکل طبقه کارگر را افزایش اقلام غذایی در سطح جهان نگرفته است. اعتراض کارگران و جوانان و زنان را که بالا رفتن قیمت برنج و گندم و ذرت سرکوب نکرده است.

۲- بعلاوه مساله حیاتی تر این است که چرا اصولاً قیمت اقلام مورد نیاز زندگی مردم باید توسط بازار و مکانیسم بازار تعیین شوند؟ چرا؟ چه کسی گفته است؟ چرا یک اقلیت اندک سرمایه دار باید این محصولات تولیدی را که حاصل تلاش و تعاون بشری است در تصاحب خود داشته باشند؟ چرا خود تولید کنندگان نباید صاحبان و اداره کنندگان محصولات تولید شده باشند؟ چرا تمامی تولید کنندگان نباید نیازشان از این محصولات بهره مند شوند؟ آیا کمبود مساله است؟ آیا قدرت تکنولوژیک و تولیدی بشر مساله است؟ خیر، مساله مناسبات اقتصادی حاکم بر جوامع بشری است. مساله نظام سرمایه داری و دولتهای حافظ آن است. مساله در ایران دولت

داری و حکومت اسلامی هر روز بر مردم اعمال میکنند.

**پروین کابلی:** شما تصویری ارائه میدید که واقعیت است. اما سوال این است که این بحران بطور واقعی فقط مختص به ایران نیست، یک بحران جهانی است. با این وصف چه میتوان کرد؟ فرض کنید که مخالفین این نظرات شما و یا مسئولین جمهوری اسلامی، با این استدلال به میدان بیایند؟ پاسخ شما چیست؟

**علی جوادی:** من اگر با چنین استدلالی از جانب مسئولین جمهوری اسلامی مواجه شوم، نه چندان محترمانه خواهم گفت: گورتان را گم کنید! دور نیست روزی که تمام سران رژیم اسلامی را به جرم جنایت علیه مردم در ایران پای میز محاکمه قرار دهیم. و در ادامه به تمامی گسانیکه کارکرد نظام سرمایه داری حاکم و جایگاه رژیم اسلامی را نمی شناسد، نکات زیر را مطرح خواهم کرد.

۱- فقر و فلاکت امروزی محصول نظام سرمایه داری حاکم بر ایران است. یک رویداد ناگهانی نیست. محصول کارکرد نظامی است که جان و حرمت انسان دارای کمترین ارزش است. تردیدی نیست که سرمایه داری نظامی جهانی

**دنباله مصاحبه با علی جوادی**

واقعا شرم آور است!

اما ۳۵ میلیون، ۵۰٪، تنها چند رقم هستند. آمارند! و "آمار" درد و رنج و مصائب انسانها را منعکس نمیکند. این آمار آنقدر تجریدی و آبستره هستند که هیچ بیانی از درد شکم کودکان گرسنه و از درد والدینی که باید شاهد بیماری و عدم امکان درمان فرزندان خود باشند، بدست نمیدهند. هیچ آمار عمق فاجعه ای که گریبان دهها میلیون انسان را گرفته است را بیان نمیکند. یک بررسی ساده رابطه مستقیم و یک به یک فقر و گرانی را با تمام مصائب اجتماعی نشان میدهد. میتوان دید که با گسترش فقر چه تعداد دختران که برای گذران زندگی و امکان تامین هزینه دانشگاهی ناچار به تن فروشی شدند. میشود محاسبه کرد که چه تعداد کودکانی روی دست پدران و مادرانشان درد کشیدند و شاهد عجز والدین در تامین امکانات درمانی برای خود بودند! میتوان به سادگی مشاهده کرد که چه تعداد انسانها از خوشی و شادی محروم شدند. چه تعداد افسرده و دچار دیپرسیون شدند. و چه تعداد روز را بدون هیچ عشق و امیدی به شب رساندند. این تنها گوشه ای از جنایتی است که فقر و نظام سرمایه

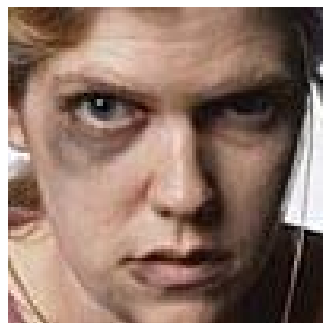
#### دنباله سخن سردبیر

مثل هرسال حمله به زنان بد حجاب را به عرصه مقاومت مردم در مقابل جمهوری اسلامی تبدیل نمود. نباید اجازه داد که حتی یک زن مورد توهین و تهدید قرار بگیرد. آزادی پوشش یک حق انسانی و طبیعی همه است. باید از حقوق انسان برای آزادی دفاع نمود. دفاع از حق پوشش را

باید به دفاع از آزادی ایجاد تشکل های کارگری، آزادی بیان و بسیاری خواسته های انسانی دیگر تبدیل نمود. این سیاست هم باید به شکست بیانجامد. یک طرف این مبارزه بسیج یک جنبش بین المللی رادیکال در جهان بر علیه جمهوری اسلامی است.

**پروین کابلی**

**نه به رژیم جهل، فساد و سرکوب!**



خشونت ارایه می‌دهد. این تحقیق پیشنهاد می‌کند که برنامه‌های جلوگیری از خشونت از این پس در آموزش‌های ویژه‌ی کودکان، جوانان، HIV و ایدز، و بهداشت جنسی و باروری گنجانده شوند. ارایه‌دهندگان خدمات بهداشتی باید آموزش داده شوند تا زنانی را که مورد خشونت قرار می‌گیرند شناسایی کنند و واکنش مناسب نشان دهند. مراقبت‌های زمان بارداری، مشاوره‌های خانواده و مراقبت‌های پس از سقط نقاط شروع خوبی برای مراقبت‌های بعدی، حمایت و ارجاع به خدمات دیگرند. مدارس باید امن باشند، سیستم‌های حمایت از قربانیان باید قوی‌تر شوند و برنامه‌های جلوگیری از بارداری مورد توجه قرار گیرند. افزایش آگاهی عمومی ضروری است. دکتر کلودیا گارسیا مارنو، عضو WHO و مسوول هماهنگی تحقیق می‌گوید: «از خشونت خانگی می‌شود جلوگیری کرد، و دولت‌ها و اجتماعات لازم است برای مبارزه با این مشکل گسترده‌ی اجتماعی حرکتی کنند. WHO همچنان به افزایش آگاهی عمومی نسبت به خشونت و نقش مهم جامعه در ایجاد خشونت و پیامدهای آن خواهد پرداخت. ما نیاز داریم که در سطح جهان خشونت را در همان ابتدای شکل‌گیری

دنباله در صفحه بعد

به عنوان زمانی در نظر گرفته می‌شود که زنان به حمایت نیاز دارند، در بیشتر مناطق مورد مطالعه، بین ۴ تا ۱۲ درصد زنان گفتند که در زمان بارداری مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. بیش از ۹۰ درصد این زنان توسط پدر کودک آزار دیده‌اند، و در یک‌چهارم تا نیمی از آنها آزار به صورت لگد و مشت در ناحیه‌ی شکم بوده است.

اصلی‌ترین چالش سیاست‌گذاران این است که خشونت پوشیده می‌ماند. دست‌کم ۲۰ درصد زنانی که در این تحقیق گفتند که آزار دیده‌اند، پیش از آن هرگز در این باره با کسی صحبت نکرده بودند. با وجود پیامدهای روحی و جسمی، تعداد بسیار کمی از زنان گفتند که برای کمک به مراجع رسمی مانند پلیس و مراکز بهداشتی، یا به افرادی که بتوانند به آنها کمک کنند، مراجعه کرده‌اند، و بیشتر آنان ترجیح داده‌اند به همسایگان، دوستان یا خانواده پناه ببرند. و آنانی که به مراجع رسمی مراجعه کرده‌اند، آزارهای بسیار شدیدی دیده بودند.

دکتر چاندرورتای کانچاناچیترا، از دانشگاه ماهیدول و عضوی از تیم تحقیقاتی در تایلند، می‌گوید: «این اولین تحقیقی است که در این زمینه در تایلند صورت می‌گیرد، و به ما بسیار کمک کرده است که گستردگی خشونت را که زنان در کشورمان می‌بینند، بفهمیم. این یافته‌ها به ما کمک کردند که طرحی ملی برای حذف خشونت علیه زنان و کودکان تدوین کنیم.»

این تحقیق راهکارهای بسیار مهمی برای تغییر رفتار و مبارزه با بی‌عدالتی و هنجارهای اجتماعی حامی

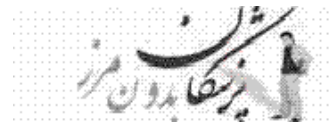
نظر گرفتن برنامه‌هایی برای جلوگیری از خشونت، در سطح ملی و کلان پیاده کند.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، یک‌چهارم تا نیمی از زنانی که مورد تهاجم شریک خود قرار گرفته‌اند، گفتند که در نتیجه‌ی مستقیم این عمل دچار حراحت شده‌اند. زنان آزار دیده همچنین دو برابر زنان آزار ندیده دچار ضعف جسمانی و مشکلات روحی و جسمی بودند، حتی اگر خشونت سال‌ها قبل اتفاق افتاده بود. این مشکلات شامل فکر و اقدام به خودکشی، مشکلات روانی و مشکلات جسمی از قبیل درد، گیجی و ترشحات آلت تناسلی بودند.

دکتر شارلوت واتز، از مرکز بهداشتی و داروهای گرمسیری لندن و یکی از اعضای اصلی گروه تحقیق، می‌گوید: «میزان شباهت پیامدهای خشونت توسط شریک زندگی در کشورهای مورد مطالعه، قابل توجه است. به نظر می‌رسد که خشونت توسط شریک زندگی تأثیرات یکسانی بر سلامت و بهداشت زنان دارد، و به محل زندگی، میزان شیوع خشونت در محیط زندگی، و پیشینه‌ی فرهنگی یا اقتصادی زنان بستگی ندارد.»

خشونت خانگی می‌تواند بر سلامت جنسی و باروری زنان تأثیر بگذارد، و ممکن است زنان را در معرض آلودگی‌های مقاربتی مانند HIV قرار دهد. در این تحقیق، زنانی که به شکل فیزیکی یا جنسی آزار دیده بودند، بیشتر از زنان آزار ندیده بیان کردند که شریک زندگی‌شان چندین شریک جنسی دارد، و نمی‌پذیرد که از کاندوم استفاده کند. این زنان همچنین بیشتر سقط‌های ناخواسته و نارسایی جنین را گزارش کردند.

زمان بارداری، با این که اغلب



## خشونت خانگی

تحقیقات سازمان بهداشت جهانی، WHO، درباره‌ی خشونت خانگی آشکار می‌کند که معمول‌ترین خشونت در زندگی زنان، خشونت است که از سوی شریک زندگی آنها اعمال می‌شود، و میزان آن حتی از تهاجم و تجاوز توسط بیگانگان و آشنایان بیشتر است. این تحقیق از تأثیرات منفی خشونت‌های جسمی و جنسی از سوی شوهران و شریک‌های زندگی زنان سراسر جهان بر سلامت و بهداشت آنان گزارش می‌کند، و از پوشیده بودن این خشونت‌ها خبر می‌دهد.

دکتر لی جونگ‌ووک، عضو WHO و مسوول ارایه‌ی این تحقیق در ژنو، می‌گوید: «این تحقیق نشان می‌دهد که زنان در خانه بیشتر در معرض خشونت هستند تا در خیابان، و این موضوع تأثیرات جدی بر سلامت آنان دارد. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که جلب افکار عمومی در سطح جهان به خشونت خانگی و برخورد با آن به عنوان مشکل جدی در سلامت عمومی چه اندازه مهم است.»

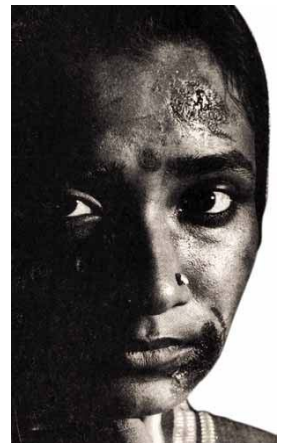
این تحقیق بر اساس مصاحبه با ۲۴۰۰۰ زن روستایی و شهری در کشورهای بنگلادش، برزیل، اتیوپی، ژاپن، نامیبیا، پرو، سومائو، صربستان و مونتنگرو، تایلند و اتحاد خلق تانزانی انجام گرفته است.

تحقیق «سلامت زنان و خشونت خانگی علیه زنان» راهکارهایی پیشنهاد می‌کند، و سیاست‌گذاران و مسوولان بهداشت را فرا می‌خواند تا برنامه‌های بهداشتی را، با در

رهائی زن رهائی جامعه است!



## دنباله از صفحه قبل



متوقف کنیم، و برای زنانی که در روابط آزار دهنده هستند، کمک و حمایت فراهم کنیم.»

کمپین جهانی WHO برای جلوگیری از خشونت از دولت‌ها در تدوین برنامه‌های جامع جلوگیری از خشونت حمایت می‌کند، تا خشونت خانگی در کنار بقیه‌ی انواع خشونت قرار گیرد.

## خشونت‌های فیزیکی چگونه سنجیده شدند

برای خشونت‌های فیزیکی، از زنان پرسیده شد که شریک کنونی یا سابقشان آیا تا به حال به آنها سیلی زده است یا شیئی به طرف آنها پرتاب کرده است؛ آنها را هل داده یا انداخته است؛ با مشت یا شیء خطرناکی به آنها ضربه زده است؛ به آنها لگد زده یا آنها را روی زمین کشیده است؛ گلولی آنها را فشار داده یا آنها را سوزانده است؛ با اسلحه، چاقو یا سلاح دیگری آنها را تهدید کرده یا به آنها حمله کرده است یا خیر.

خشونت جنسی در این سه رفتار تعریف شد: اجبار به آمیزش بر خلاف میل، آمیزش به خاطر ترس از رفتار یا واکنش مرد، اجبار به عملی جنسی که به نظر زن پست یا تحقیرآمیز باشد.

## خلاصه‌ی یافته‌ها

• خشونت خانگی علیه زنان متداول، گسترده و پوشیده است، و معمول‌ترین

خشونت در زندگی زنان است، بیشتر از تهاجم و تجاوز از سوی غریبه‌ها و آشنایان.

• در نمونه‌های مطالعه شده در کشورهای که تحقیق در آنها انجام شد، رواج خشونت فیزیکی علیه زنان از ۱۳ درصد در ژاپن تا ۶۱ درصد در پرو متغیر بود.

• سیلی زدن معمول‌ترین نوع خشونت بود، و مشت زدن به صورت بعد از آن قرار گرفت. اما بیش از نیمی از مواد خشونت خانگی، از دسته‌ی خشونت‌های شدید بودند، از قبیل لگد زدن، روی زمین کشیدن، تهدید با سلاح یا حمله با سلاح.

• بیشتر خشونت‌های فیزیکی، الگویی از خشونت مداوم را آشکار می‌کردند.

• ۴ تا ۱۲ درصد زنانی که باردار شده بودند، گفتند که در زمان بارداری ضرب و

شتم شده‌اند. در بیش از ۹۰ درصد موارد توسط پدر کودک. بین یک چهارم تا نیمی از این زنان در ناحیه‌ی شکم لگد خورده بودند.

• یک نفر از هر ۱۱ زن آزار دیده از سوی شریک زندگی، اقدام به خودکشی کرده بود.

• برای ۲۱ تا ۶۶ درصد زنان آزار دیده صحبت درباره‌ی این تجربه و درخواست کمک دشوار بود. معمول‌ترین دلیل برای درخواست کمک نکردن این بود که آزار را معمولی یا غیرجدی تلقی می‌کردند.

• پذیرش و تایید همسرآزاری در میان زنانی که خود این آزار را تجربه کرده بودند نسبت به زنانی که آزار ندیده بودند، بیشتر بود.

## نقل از سایت پزشکان بدون مرز

اطلاعات و آمار دقیق تری از خشونت خانگی فراهم آمده است که تا حدودی اجازه یک تحلیل کلی از این وضعیت را بدهد. در زیر به آماري که سال گذشته توسط خبرگزاری زنان ایران منتشر شده است توجه کنید.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خشونت خانگی پیچیده تر از خشونت علیه افراد بیگانه است. شدت و جدی بودن خشونت خانگی امری واضح است اما تعیین گستردگی آن مشکل است زیرا نه تنها درباره تعریف آن توافق وجود ندارد بلکه بیشتر قربانیان این خشونت‌ها مایل یا قادر به گزارش کردن آنها نیستند. "خشونت خانگی" اغلب به عنوان تهاجم جسمی و جنسی درون خانواده تعریف می‌شود دنباله در صفحه ۸

محسوب می‌شوند که مردان به تنبیه زنان بدون هیچگونه بازخواستی مجاز هستند. و مناسفانه هرروز شاهد نه فقط خشونت بدنی بلکه قتل زنان، دختران و کودکان توسط مردان و عدم بازخواست آنها توسط مقامات هستیم.

حتی پس از آنکه آزار اعضای خانواده، دیگر عملی مناسب شمرده نمی‌شد و مورد تأیید قرار نمی‌گرفت، از سوی دین و جامعه نسبت به آن توجه کمی مبذول می‌شد. چنین فرض می‌شد که این گونه خشونت‌ها یک موضوع خانوادگی است و ارتباطی با بقیه جامعه ندارد. در نتیجه، گرچه ما از وجود خشونت خانگی از اعصار دور تاکنون مطلع هستیم اما تنها در چند دهه گذشته بوده است که

وضعیت دلالت دارند عبارت است از همسر آزاری، کودک آزاری و سالمند آزاری.

در سرتاسر جوامع دوران باستان، (و در ایران امروز) والدین و به ویژه پدران حقوق انحصاری برای تربیت و منضبط کردن کودکان خویش داشتند. این حقوق به آنان اجازه تنبیه بدنی و حتی سلب حیات کودکان را می‌داد. در انجیل مذکور است که کودک سرکش و نافرمان‌بردار را والدین او می‌توانند به شهر ببرند تا در آنجا توسط بزرگسالان سنگسار و کشته شود. مجازات مرگ برای کودکانی که مرتکب دشنام‌گویی و نفرین به والدین می‌شدند مجاز و معمول بود.

از نظر دینی، زنان و دختران ابتدا جزو اموال پدر و سپس جزو اموال شوهر خود

## خشونت خانگی و دین

خشونت خانگی رفتاری است که از نظر دینی به عنوان یک جرم جدی خشونت آمیز تلقی نشده است. خشونت خانگی در جایگاهی روی می‌دهد که انسان در آن انتظار گرمی، حمایت، اعتماد، تشویق و عشق را دارد. این وضعیت عموماً نه به عنوان یک عمل خشونت آمیز، بلکه بیشتر به عنوان یک مسئله شخصی و خانوادگی تلقی شده است. خشونت خانگی به صورت رفتارهای پرخاشگرانه و تهاجمی درون خانواده تعریف می‌شود که شامل خشونت نسبت به همسر، کودکان، والدین و به طور کلی منسوب می‌شود که با یکدیگر زندگی می‌کنند. عناوین اختصاصی تری که به این

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

بعنوان سردبیر آزادی زن و فعال زنان سالهاست که پای گفتگوی زنان زیادی نشسته‌ام و داستان زندگیشان را شنیده‌ام. بسیاری از این تجربیات در کار و فعالیت به ما کمک می‌کند و یا در نشریه به نوعی بازتاب دارد. از این تجربیات میتوان کتابی میلیون صفحه ای نوشت. انتقال این تجربیات مهم است. به همین جهت از این هفته ستونی را با عنوان **تجربه‌های زنانه** باز میکنیم.

**تجربه‌های زنانه** ستونی برای تجربه‌های زنانه است. برای این ستون بنویسید. از تجربیات خودتان و از زندگی خودتان. از آنچه که به خاطر زن بودن بر شما می‌گذرد. از آنچه که روزانه به نام زندگی شخصی و اجتماعی برایتان اتفاق می‌افتد. از همه چیز برای این ستون بنویسید و داستان زندگیتان را با دیگران تقسیم کنید. سردبیر نشریه پروین کابلی

## تجربه‌های زنانه

### امیره از گوتنبرگ سوئد

۱۴ ساله بودم که مجبور به ازدواج با پسر عمویم که ۲۵ ساله بود شدم. پدرم مادرم سالها بود که از هم جدا شده بودند. من در خانه پدر بزرگم بزرگ شدم. برادر کوچکترم پیش پدرم و همسر جدیدش بود. مادرم اجازه ملاقات ما را نداشت. بعد از ۵ سال دوری از ما بلاخره با مردی که بسیار از خودش بزرگتر بود ازدواج کرد و به شهر دیگری رفت. تنها ملاقات من با وی در راه مدرسه قطع شد. پدرم بخاطر اینکه از دست من راحت شود مرا مجبور به ازدواج با پسر عمویم کرد. وقتی شب عروسی بود تازه من متوجه شدم که عروس من هستم. با گریه و زاری و پادرمیانی زنان فامیل و مادر بزرگم لباس عروسی را به تن کردم. آخر شب به خانه عمویم منتقل شدم و چند ساعت بعد با پسر عمویم که همسرم شده بود تنها ماندم. به محض اینکه به طرفم آمد از اتاق در رفتم و به دامن زن عمویم پناه بردم. آنشب در کنار وی ماندم. شب بعد بلاخره به اتاق خودم رفتم و زن شدم. از همان شب یک سطل خالی در کنار تختم قرار گرفت. هر وقت که

همسرم با هم همخوابی داشت بعدش من حالم بد میشد و بالا می‌آوردم. در طول ۵ سال از وی صاحب دو فرزند شدم.

سال پنجم دیگر نتوانستم ادامه دهم و با هزار بدبختی مادرم را که دوباره بیوه شده بود پیدا کردم و به خانه وی پناه بردم. ۶ ماه پیش وی ماندم و با پادرمیانی فامیل، فرزندانمان را پیش خودم آوردم. پدرکه دیگر تنها شده بود رضایت داد که با فرزندانم پیش وی زندگی کنم و در ضمن از وی هم مواظب کنم. برادرم بزرگ شده بود و خود صاحب خانه و زندگی شده بود و امکان نگهداری از پدرم را نداشت. من از موقعیت استفاده کردم و هم با فرزندانم بود و هم درس خواندن را دوباره شروع کردم. توانستم داروسازی بخوانم.

پدرم سه سال پیش مرد و مقدار ثروت برای من به جا گذاشت. اکنون فرزندانم دیگر ۱۴ ساله و ۱۶ ساله بودند. کار برایم نبود و من هنوز جوان بودم. بوسیله یکی از دوستان با مردی که میگفت وضعیت خوبی دارد و در سوئد زندگی میکند آشنا شدم. بعد از مدتی تصمیم گرفتیم که ازدواج کنیم و من به سوئد بیایم. بعد از مدتی از سوئد با من تماس

گرفت و گفت شرکتی که برایش کار میکند کارمندانش را اخراج کرده و اکنون بیکار است. وی گفت "برای اینکه بتوانم هرچه زودتر تو و بچه‌ها را بیارم باید شغلی داشته باشم. تاکسی خریدم به پول احتیاج دارم. کاری برایم بکن".

من هم هرچه که داشت فروختم و پول را بوسیله بانک برایش حواله کردم. بعد از ۸ ماه فعالیت ویزای من و فرزندانم درست شد و به سوئد آمدیم. هفته اول با سردی بسیار بین همسرم و فرزندانم گذشت. من به خیال اینکه به هر حال اول کار است تلاشم این بود که فرزندانم که هر دو پسر هستند بتوانند با مرد زندگی به توافق برسند. در طول این مدت چندین بار در مورد کار تاکسی پرسیدم که طفره رفت. بعد از مدتی متوجه شدم که از تاکسی خبری نیست و بیکار است و در ضمن در محفلی تریاک هم میکشد. وقتی از وی پرسیدم که پولی را که سرمایه زندگی من است چکار کرده است، گفت که خانه خریده و بزودی به ویلایی نقل مکان میکنیم.

دوماه گذشت. از ویلا هم خبری نشد. کم کم بد اخلاقی‌هایش شروع شد. یک روز که از بیرون برگشتم متوجه شدم که



هر دو فرزندم را در حمام خانه زندانی کرده است. وقتی علت را پرسیدم درخانه را باز کرد و هر سه تای ما را بیرون انداخت. ساعت ۱۱ شب نوامبر بود. هوا سرد و ما تقریباً لباس خانه فقط به تن داشتیم. به کیوسکی پناه بردیم و تقاضای کمک کردیم. یک ساعت بعد در اداره پلیس بودیم و آنها در تلاش بودند که برای سپری کردن شب جایی را برای من و دو فرزندم پیدا کنند.

اکنون هم اینجا پیش شما هستم و مدت ۶ ماه است که این مرد را ندیده‌ام و از وی هیچ خبری هم ندارم. تصمیم گرفته است که ما را به ایران برگرداند. من با چه روئی و با چه امیدی میتوانم برگردم. دیگر نه خانه ای دارم که بتوانم در آن زندگی کنم و نه آبرویی برایم باقی مانده است.

حقوق جنسی زنان به رسمیت شناخته نشده و به همین جهت از دست یابی به اطلاعات و امکانات و تسهیلات برای حفظ سلامتی خود محرومند.

[سایت روشنگری](#)

اساس گزارش سازمان ملل به مناسبت روز جمعیت تهیه شده بود، بان کی مون گفت ۹۹ درصد این مرگ و میرها در کشورهای در حال توسعه روی میدهد، زیرا در این کشورها

جان خود را از دست میدهند. تعداد بسیاری نیز که جان به در میبرند، دچار عوارض ماندگار میشوند که بر سلامت و کیفیت زندگی آنها در همه عمر تاثیر می‌گذارد. در این پیام که بر

**مرگ در هنگام زایمان**  
سال گذشته بان کی مون دبیر کل سازمان ملل در پیامی اعلام کرد هر سال در جهان بیش از ۵۰۰،۰۰۰ مادر طی دوره حاملگی و در جریان زایمان

**آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!**



مدراتوری راب تیلمن برگزار شد. مباحث بسیار جالبی در این بخش مطرح شد. بحث عموماً بر رابطه آموزش و پرورش و مذهب و کودکان و مذهب متمرکز یافت. آذر ماجدی در این بخش بر ممنوعیت مدارس مذهبی تأکید کرد و همچنین افزود که کودکان مذهب ندارند. این مذهب اولیاشان است که بر آنها تحمیل شده است. این واقعیت را جامعه و دولت باید برسمیت بشناسد.

سخنرانی و صحبت های آذر ماجدی با استقبال بسیاری روبرو شد. بسیاری از حضار اعلام کردند که با پیشنهادات و نظرات او احساس توافق می کنند. تعدادی از کتاب آذر ماجدی "حقوق زنان در مقابل اسلام سیاسی به فروش رسید.

سازمان آزادی زن

۶ مه ۲۰۰۸

کرده و گسترش یافته اند. آنگاه وی به رشد جنبش اسلامیستی، اسلام سیاسی، پرداخت. او گفت که این جنبش بسیار سیاسی است و برای سهیم شدن در قدرت مبارزه میکند. اسلام سیاسی خود را بعنوان ایدئولوژی رهائی بخش مطرح میکند و در منطقه تحت نفوذ اسلام بویژه پس از حمله به عراق و لبنان این فریب برای بخش وسیعی جذابیت یافته است. آذر گفت: "ما اگر حقیقتاً خواهان منزوی کردن و حاشیه ای کردن جنبش اسلام سیاسی و اسلامیست ها هستیم باید توجه داشته باشیم که خود را کاملاً از سیاست های دولت آمریکا و اسرائیل تفکیک کنیم. مردم بشکلی کاملاً پراگماتیستی میان بد و بدتر، بد را انتخاب میکنند. و در نبرد میان دو قطب تروریست، بخش وسیعی اسلام سیاسی را انتخاب کرده است. ما باید بتوانیم آنها را قانع کنیم که آنها مجبور به انتخاب میان یکی از این دو قطب نیستند. آلترناتیو سوم، انتخاب سومی نیز موجود است."

در پایان پائلی با شرکت هوگو استرلا، هرمن فیلیس، استیون لا، آذر ماجدی و دیوید نش با

نیز اعلام کرد.

کلیه سخنرانان بر اهمیت گسترش جنبش سکولاریستی - اومانیستی تأکید کردند. در مورد تعریف دقیق این ترم مباحثی ارائه شد. رابطه مذهب با سیاست، دولت و مذهب، علم و مذهب، حقوق انسانی و مذهب و آزادی و مذهب به تفصیل در سخنرانی های مختلف مورد بحث قرار گرفت.

آذر ماجدی در مورد اهمیت سازمان دادن یک جنبش اجتماعی وسیع علیه مذهب و برای سکولاریسم صحبت کرد. بر این مساله تأکید گذاشت که کار علمی بسیار مهم است ولی بهیچوجه کافی نیست و باید پا در عرصه مبارزه سیاسی - اجتماعی قرار داد. وی اعلام کرد که جدایی مذهب و سیاست کاملاً بی معنی است، چرا که مذهب خود یک پدیده کاملاً سیاسی است. مساله باید بر جدایی مذهب از دولت متمرکز شود. آذر اشاره کرد که باید بکوشیم دریابیم که چرا علیرغم آماري که حکایت از تعداد نسبتاً وسیع غیر مذهبی ها و آته نیست ها در غرب دارد، جنبش های مذهبی این چنین رشد

### آذر ماجدی در کنفرانس سکولار - اومانیسم در هلند

روز شنبه سوم مه کنفرانسی با تم "سکولاریسم اخلاقی و سیاسی" در شهر اوترخت هلند برگزار شد. این کنفرانس بمناسبت افتتاح دفتر کشورهای پایین (هلند و بلژیک) سی اف آی (Center for Inquiry) سازمان داده شده بود. در کنفرانس یازده سخنران شرکت داشتند و مباحث جالبی در زمینه های زیر در گرفت: برنامه سکولاریست - اومانیسم، تاریخ کفر در مسیحیت، آموزش و پرورش سکولار، آیا میان علم و مذهب جنگ است؟ طرحی در مورد سکولاریسم اخلاقی، آگاهی سکولار، اسلام و سکولاریسم- اومانیسم دخالتگر و تفکیک گرایش چپ و راست در سکولاریسم. سخنرانان عبارت بودند از راب تیل من، پل کرتز، دیوید نش، یوپ شریخ ورز، استیون لا، هرمن فیلیس، فلوریس دن وربرگ، استیون دیسی، نورم آلن، این وراق و آذر ماجدی. یکی از سخنرانان تشکیل یک موزه هنرهای برخوردارنده آنلاین را



تلاش برای رهایی این قربانیان نیز به معنای تأیید جرم

انجام یافته تلقی نمی شود. از جمله علت های شیوع این پدیده در ایران را می بایست قوانین نابرابر موجود دانست.

نقل از سایت کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر

<http://www.schrr.net/>

عینی وجود قوانین تبعض آمیز در جامعه است.

طبق این بررسی بیشتر زنانی که مرتکب این جرم شده اند، زیر سن ۱۲ سال و ناخواسته ازدواج کرده اند. همچنین بیشتر کسانی که دست به همسر کشی زده اند پیش از آن سابقه ی مجرمیت نداشته اند. نتایج این بررسی از این رو قابل توجه است که نشان می دهد، قاتلان در چنین پرونده هایی نه جنایتکار که انسان های عادی بوده اند و تنها شرایط نابسامان زندگی، آنان را به چنین عملی واداشته است. با این حال حتی

به شاکیان پرونده از اعدام وی جلوگیری کند.

همسرکشی، یکی از رایج ترین اخباری است که در سال های اخیر تقریباً می توان آن را هر روزه در صفحه ی حوادث روزنامه ها مشاهده کرد. مهم ترین علل این گونه قتل ها هنگامی که از سوی مردان صورت می گیرد، بیشتر از موارد ناموسی، سوء ظن و .. ناشی می شود. حال آن که بررسی موارد شوهرکشی در جامعه، اذهان را متوجه عدم وجود قوانین حمایتی از زنان می کند. شوهرکشی نتیجه ی

### اکرم مهدوی، قاتل یا قربانی؟

اکرم مهدوی، زنی ۳۲ ساله که در سال ۸۲ به کمک یک مرد دیگر شوهر ۷۴ ساله خود را که نزدیک به ۵۰ سال از وی بزرگتر بوده به قتل رسانده، با تأیید حکم صادره در دیوان عالی کشور و ارسال آن جهت استیذان رئیس قوه قضاییه در معرض اعدام قرار دارد. کمپین کمک به اکرم مهدوی که از سوی جمعی از فعالان حقوق بشر و مدافعان حقوق زنان به راه افتاده، قصد دارد با جمع آوری کمک مالی و پرداخت آن

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!



حقوق شهروندی برخوردار نیستند. چرا؟ چون در جای دیگری متولد شده اند. آیا به این فکر کرده اید که انسان انسان است و هیچ کس نباید حرمت انسانیش را زیر سوال ببرد. امیدوارم بیشتر برای من بنویسید و در ضمن کمی هم فکر کنید. من نمیخواهم به شما اتهامی بزنم ولی یکبار دیگر نوشته خود را بخوانید و ببیند که این متن شما در کجا جا میگیرد. قطعاً نمیتواند برای دفاع از انسان باشد. برای انسان و انسانیت باید مبارزه کرد. نباید تسلیم نظرات ارتجاعی ناسیونالیستی و ضد انسانی جمهوری اسلامی شد. فقط آنها است که از تفرقه انداختن بین انسانها میتوانند نفع ببرند.

باید به دور از ملیت، نژاد، جنسیت، عقیده و مرام برای خوشبختی و برابری انسانها مبارزه کرد. تلاش برای ایجاد تغییر اوضاع به نفع همه مردم محروم جامعه ایران تابعیت را بر نمی تابد! از شما هم دعوت می کنم علیه این شرایط دهشتناک به میدان بیایید.



قرار میدهد. شما میگوئید که ناسیونالیست نیستید، اگر نیستید پس چگونه میتوانید که این چنین به راحتی همه افغانستانی ها را قاچاقچیان مورد مخدر محسوب کنید؟ مواد مخدر و اعتیاد اساساً رابطه مستقیم به سیاست دولت ها دارد. جمهوری اسلامی خود از بزرگترین اشاعه دهندگان مواد مخدر است. دست قاچاقچیان را باز گذاشته است که جوانان را از هر تباری و قومی به نابودی بکشند.

آیا شما تاکنون هیچ به این فکر کرده اید که برسر مهاجرین افغانی تبار چه بلاها که نمیآورند. اکثریت آنها انسانهای شرافتمندی هستند که سالهاست با کار کردن (آنهم به مانند بردگان) زندگی خود و خانواده خود را تامین کرده اند و هنوز از هیچ

بله این جا یک امای بزرگ جلوه می کند. این که بسیاری از این افغانی ها بحدی به مردم ما خواسته یا ناخواسته آسیب رسانده اند که .... برای سالها با خود مواد مخدر وارد کشور می کردند. و حتماً خود می دانید چه عاقبت وحشتناکی دارد این مخدر. و بعد اینکه چه تجاوزات وحشتناکی توسط این افراد صورت گرفت که بیشتر آنها توأم بود با قتل همان افراد مورد تجاوز. بگذریم از اینکه انواع و اقسام بیماریها را با خود کادو آوردند و ارز بسیاری را از کشور ما خارج کردند و باعث بیکاری بسیاری از ایرانیان شدند و ... حال شما بگویید (خواهش می کنم منصفانه و بدون از هر پیش داوری قضاوت کنید) که آیا این افراد را می توان شهروند ایرانی نامید؟ نمی گویم که مردم خودمان چنین کارهایی را انجام نداده اند. ولی این گروه به صرف اینکه بیگانه هستند / اعمالشان واقعا بی رحمانه و جابرانه بوده است. ببخشید که وقتتان را گرفتم .

کامننت من در وبلاگ یک دوست با این مضمون بود: **اتحاد عیله فقر اتباع بیگانه نمی شناسد!**

متأسفم که این دوست عزیز با چنین نظراتی افراد و انسانهای دیگر را مورد قضاوت و اتهام

### اتحاد عیله فقر اتباع بیگانه نمی شناسد!

جوابی کوتاه به دوستی که مدعی است ناسیونالیست نیست

#### شهلا نوری

شنبه غروب است و من هنوز نرسیدم مطالبی که برای نشریه سازمان آزادی زن می نویسم را تمام کنم. مشغول صحبت تلفنی با سردبیر نشریه بودم و همزمان تیترا اخبار مختلف را هم نگاه میکردم. سری به وبلاگم زدم تا خبری را وارد کنم. دیدم دوستی پیام خصوصی فرستاده. عین پیام را درج می کنم تا شما هم بهتر متوجه موضوع شوید.

سلام و درود بانوی گرامی. شب بر شما خوش. در وبلاگ دوستی کامنتی از شما دیدم با این عنوان که: همه افرادی که در ایران ساکن هستند شهروند ایرانی محسوب می شوند.

اما دوست گلم. متأسفانه باید عرض کنم، من بشدت با این گفتار شما مخالفم. نمیدانم تا چه اندازه با اتباع افغانی سر و کار داشته اید و یا چقدر از نزدیک ایشان را می شناسید. البته این رو هم عرض کنم که (من ناسیونالیست به معنای اکمل نیستم). و این رو هم بگویم که در هر جامعه و هر قشری خوب و بد وجود دارد. اما ...

تکرار دیروز، هر روز زنهاست گویی فلاکت، تقدیر آنهاست این چرخه تا کی؟ باید رها شد! تا کی خموشی؟ باید صدا شد! راه رهایی بی پیچ و خم نیست اما هزاران زن دست کم نیست سر کرده در برف، نتوان نشستن! دست ستم را، باید شکستن!

زیبا اگر هست، جرمیست پیدا باید نهمان کرد، سر تا به پا را اجبار دائم در هر مسیری از کار و تحصیل تا خانه داری قانون به حقش بی احترام است قانون کجا و حقش کدام است؟ باید بماند در خواب فردا... در آرزوی یک مرد تنها!! یک فصل تازه باخوش گمانی رختی سفید و نام فلانی...

### دست ستم را باید شکستن!

در شهر من زن، رنگ سیاه است محکوم حبس و افسوس و آه است پایش به زنجیر، راهش بریده تارش ز پودش، از هم دریده از نا امیدی، در خود شکسته از بی کسی ها رنجور و خسته

### شعری از ارمنان از ایران



به سازمان آزادی زن پیوندید!

از انواع خشونت های خانگی را - که به همان میزان شرم آور است - مطرح می کنیم، یعنی همسر آزاری:

### بر اساس یک پژوهش بیش از ۸۸ درصد زنان تهرانی از همسر آزاری روانی رنج میبرند

بر اساس یک تحقیق که با بررسی نمونه‌ای از زنان متأهل شهر تهران انجام شده، ۸۸ درصد آنها از همسر آزاری روانی و ۴۸ درصد از همسر آزاری جسمی رنج می‌برند. به گزارش خبرگزاری زنان ایران به نقل از ایسنا، همسر آزاری شامل بدرفتاری علیه طرف مقابل در هر نوع رابطه نزدیک و صمیمی، خشونت در خانواده و هر نوع خشونت علیه همسر است. همسر آزاری می‌تواند اشکال مختلفی نظیر خشونت بدنی، کلامی، عاطفی، روانی، جنسی و اقتصادی داشته باشد. اگر چه زنان هدف عمده سوء رفتار هستند اما خشونت همچنین علیه کودکان و اعضاء سالمند خانواده نیز به کار برده میشود.

در روابط زناشویی سوء رفتار با همسر یک مشکل جدی است که خطوط قرمز فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را زیر پا می‌گذارد و می‌تواند تأثیر اساسی بر سلامت جسمی و روانی خانواده داشته باشد.

یکی از اعضاء هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در تحقیقی به منظور بررسی میزان شیوع همسر آزاری روانی و جسمی و عوامل مؤثر بر آن در زنان متأهل شهر تهران حدود ۱۰۰۰ زن متأهل ۱۸ تا ۴۷ سال شامل دو گروه از زنان عادی (۸۰۰) و زنان شاکلی (۲۰۰) را از طریق پرسشنامه مورد بررسی قرار داده است.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در گروه زنان عادی، ۸۷/۹ درصد از همسر آزاری روانی و ۴۷/۹ درصد از همسر آزاری جسمی رنج می‌برند که این میزان برای زنان شاکلی به ترتیب برابر با ۹۹/۵ و ۹۱ درصد است.

بر اساس این بررسی، با افزایش سن زوجین و مدت زمان ازدواج، میزان همسر آزاری افزایش می‌یابد. همچنین میزان همسر آزاری در مردان که زنان آنها دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند، به طور معنی‌داری کمتر از میزان همسر آزاری در مردانی است که زنان آنها دارای تحصیلات پایین‌تر است. از سوی دیگر، میزان همسر آزاری در مردان بی‌سواد و یا دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم به طور معنی‌داری بالاتر از مردانی است که دارای تحصیلات بالاتر هستند. بر اساس این تحقیق، بین میزان همسر آزاری و درآمد خانواده رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

این نتایج می‌افزاید، میزان همسر آزاری در شوهرانی که مواد مخدر استفاده می‌کنند بیشتر از شوهرانی است که مواد مخدر استفاده نمی‌کنند. همچنین میزان همسر آزاری در شوهرانی که سابقه بیماری روانی دارند بیشتر از شوهران سالم و میزان همسر آزاری جسمی و روانی در زنان شاکلی بیشتر از زنان عادی است.

نقل از خبرگزاری زنان ایران و سایت [www.tebyan.net/](http://www.tebyan.net/)



### پروین اردلان به دو تا سه سال حبس تعلیقی محکوم شد!

شعبه ۱۳ دادگاه انقلاب اسلامی طبق ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی پروین اردلان، فعال جنبش حقوق زن را به اتهام اجتماع و تبانی غیر قانونی و تمرد در مقابل پلیس به قصد برهم زدن امنیت کشور به دو تا سه سال حبس تعلیقی محکوم کرد.

پروین اردلان از فراخوان دهندگان برگزاری تجمع ۲۲ خرداد ۳۸۵ در میدان ۷ تیر بود که با ضرب و شتم نیروی انتظامی و دستگیری تعداد زیادی از فعالین جنبش حقوق زن پایان یافت. امسال در آستانه روز جهانی زن، وی برای دریافت جایزه از بنیاد اولاف پالمه عازم سفر به کشور سوئد بود که ناگهان ممنوع الخروج شد.

هدف رژیم اسلامی از صدور احکام تعلیقی تلاش برای سرکوب و به سکوت کشاندن فعالین جنبش های اعتراضی است. طبق این احکام در صورتیکه متهمین طی ایام تعلیق مرتکب جرمی شوند، احکام قابل اجرا میشوند. به این ترتیب رژیم زندگی و آزادی این فعالین را به گرو میگرد تا سکوت آنها را تضمین کند.

سازمان آزادی زن به اسارت کشیدن و به گروگان گرفتن فعالین جنبش حقوق زن را قاطعانه محکوم و اعلام میکند که تنها راه خلاصی از این شرایط تداوم و گسترش اعتراض و مقابله با سرکوب این رژیم سرکوبگر و زن ستیز است. ما کلیه انسان هایی که قلبشان برای آزادی و برابری زنان می طپد را به پیوستن به سازمان آزادی زن دعوت میکنیم تا با هم و درکنار هم برای آزادی و برابری مبارزه کنیم.

**ستم بر زنان موقوف! سرکوب زنان ممنوع! زنده باد آزادی زن سازمان آزادی زن**

**دنباله خشونت و دین** که شامل آزار جنسی کودکان و آزار جسمی از صفحه ۴

والدین سالمند است. اما بررسی دقیق ایجاب می کند که این مفهوم گسترش یابد تا شامل مواردی از قبیل غفلت از کودکان و آزار روانی آنان، بی توجهی به نیازهای والدین سالمند و سوء استفاده مالی از آنان و خشونت میان نامزدها یا زوجین طلاق گرفته نیز بشود.

بین انواع خشونت های خانگی، خشونت نسبت به کودکان بیشتر جلب توجه می کند و از آنجا که هم پدر، هم مادر و گاهی دیگر اعضاء خانواده ممکن است مرتکب این عمل شوند و با عنایت به تأثیر آن در آسیب های روانی آتی کودک، این عمل اهمیت بیشتری هم نسبت به دیگر خشونت های خانگی دارد. لیکن در این جا یکی

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی، [azarmajedi@yahoo.com](mailto:azarmajedi@yahoo.com)

سردبیر پروین کابلی، [parvinkaboli@yahoo.se](mailto:parvinkaboli@yahoo.se), Tel: +46 707 744 0

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، [esmail\\_owji@yahoo.com](mailto:esmail_owji@yahoo.com)

**زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!**